

نظری به آداب معاشرت در کازرون

محمد مهدی مظلوم زاده

موقعیت مهمانی، شام یا نهار نیز داده می‌شود. از جمله این گونه مهمانی‌های نسبتاً پرجمعیت می‌توان این موارد را برشمرد: مراسم خواستگاری، بله‌بران، عقد، عروسی، ختنه‌سوران، سفره‌های نذری، هفته‌سوران زائو، تهیه سمنو، پختن آش نذری، چراغبانی (مراسم روضه‌خوانی و ادای نذر)، دیگجوش، ولیمه زائران، دید و بازدید شب جمعه و دعای کمیل، مراسم غدیری (در روز عید غدیر)، سفره احیاء (در شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان)، سفره اندازان، مراسم مشکل‌گشا، آش عقیقه، آش رشته پس‌پا (پشت‌پا) برای مسافران، عزاداری‌های خانگی و دیگر مراسمی که به دعوت صاحب مراسم در منزل وی و یا در برخی زیارتگاه‌ها برگزار می‌شود.

در مورد نحوه پذیرایی از مهمانان در کازرون، جالب توجه است که هنوز به صورت کاملاً سنتی پذیرایی صورت می‌گیرد؛ بدین شکل که پیش از صرف غذا، ابتدا پذیرایی کنندگان - که خود صاحبخانه نیز در میان آنان است - آفتابه و لگن مسی می‌آورند تا مهمانان یکایک دستان خود را بشویند و حوله‌ای را که بر دوش

مهمان‌نوازی

مردم کازرون، همانند مردم سایر نقاط کشورمان، بسیار مهمان‌دوست و مهمان‌نواز هستند و وقتی مهمانی به خانه آنها می‌آید، فوق‌العاده خوشحال می‌شوند و در استقبال و پذیرایی از وی نهایت جد و جهد را به خرج می‌دهند؛ تا آنجا که اگر مهمان سرزده به خانه آنها بیاید، حتی چنانچه وسایل پذیرایی و خوراکی چندانی در خانه نداشته باشند، هرآنچه را که دارند، برای پذیرایی از او به میان می‌آورند؛ ولو اینکه مجبور شوند خودشان نان خالی بخورند و یا احیاناً گرسنه بمانند. البته در چنین مواردی معمولاً آبروداری می‌کنند تا مهمان متوجه قضیه نشود و با خیال راحت نهار یا شام خود را میل کند.

در برخی مراسم و مجالس و مهمانی‌های خاص که تعداد مدعوین زیاد است، معمولاً در اتاق پذیرایی یا محلی از پیش تعیین‌شده که مفروض شده است، از مهمانان با چای، شیرینی، شربت و تسنقات پذیرایی می‌شود. البته در برخی مواقع، بسته به شرایط میزبان و

دارند، به مهمانان می‌دهند تا دست‌های خود را خشک کنند و پس از آن صرف غذا آغاز می‌شود. حاضران بر سر سفره همگی با دست غذا می‌خورند؛ هم به جهت رواج این سنت و هم به جهت استحباب آنان. در طول مدت پذیرایی هم اگر متوجه شوند چیزی سر سفره کم است، فوراً آن را مهیا کرده، سر سفره می‌آورند. فردی هم تنگ آب و لیوان به دست دارد و هر کس که تقاضای آب کند، فوراً برای او آب می‌ریزد و به دستش می‌دهد. پس از اتمام غذا نیز مجدداً برای تک‌تک مهمان‌ها آفتابه و لگن را می‌چرخانند تا دست خود را بشویند و سپس خشک کنند. آن گاه سفره را برمی‌چینند. پس از صرف غذا مهمانان از صاحب سفره با عبارتی از این قبیل تشکر می‌نمایند: «روزی، سفره زیارت مکه‌تون باشه»، «روزی، سفره عروسی یا دومیادی عزیزتون باشه»، «روزی، سفره پسرزائون فلانی باشه» و یا «روزی ختنه‌سوران پسر فلانی باشه».

گفتنی است که بعضاً مهمان‌ها به هنگام ورود به خانه میزبان چنین می‌گویند: «آهای صاحب‌خونه، مهمون نمی‌خواهین؟» صاحبخانه هم معمولاً در جواب می‌گوید: «قدم مهمون رو چیشم» [qadame mehmun ru čišom] (قدم مهمان روی چشم).

همچنین اگر مهمان کاری داشته باشد و از صاحبخانه اجازه بگیرد یا اینکه بخواهد در وقت پذیرایی به صاحبخانه کمک کند و از او به عنوان اینکه مهمان است اجازه بخواهد، صاحبخانه به او می‌گوید: «مهمون خودش صاحبخون» [mehmum xodeš sâhebxunan] (مهمان خودش صاحبخانه است) و گاهی هم اضافه می‌کند: «ولی راضی به زحمت شما نیسم» [valî râzi]

[be zahmate šomâ nissom]. مهمان هم معمولاً با گفتن «چه زحمتی؟»، صاحبخانه را در امر پذیرایی از دیگر مهمانان یاری می‌دهد.

یکی از رسوم دیگر پذیرایی در کازرون این است که وقتی می‌خواهند از مهمانان با چای، شربت و دیگر نوشیدنی‌ها پذیرایی کنند، شخصاً آن را پیش روی مهمان می‌گذارند و در حضور وی، کمی از آن را می‌چشند. علت آن هم این است که مبادا مهمان - مخصوصاً اگر میانه خوبی با صاحبخانه نداشته باشد - گمان ببرد که وی در آن نوشیدنی چیزی ریخته است.

برخی زبانه‌ها در مورد مهمان

- مهمان نمک‌گیرشده نمک‌شناس است.

- نمک، یک انگشت است؛ اگر آدمی نمک‌شناس باشد.

- مهمان نصبه‌شب [nesbešab] (نصفه‌شب) گناهش به گردن خودش است.

- در خانه هرچه باشد؛ مهمان هرکه باشد.

- شبی رفتم به مهمونی پدر زن

کمونم داد^۱ و گفتا: «پنبه و رزن»^۲

- خوشا امشو^۳ که مهمون شمائیم

خدا دونه که فرداشو^۴ کجایم

تو را یک امشبی ما را نگه دار

که فردا دردسر کم می‌نمائیم

۱. کمان حلاجی به دستم داد.

۲. پنبه بز.

۳. [emšow]: امشب.

۴. [fardâšow]: فرداشب.

- ولِ پالنگری، مهموئُم امشو
گدا بیئُم، ولی سلطوئُم امشو
گدا که نون جو هرگز ندیده
سر قابِ پلو می بیئُم امشو

برخی باورها در مورد مهمان

- اگر پلک [pelk] (تفاله) روی چای داخل استکان
قرار بگیرد، آن را نشانه آمدن مهمان یا مسافر می‌دانند.
- اگر در موقع خوردن غذا، تکه‌ای از دهانشان به
زمین یا روی لباسشان بیفتد، آن را نشانه آمدن مهمان
می‌دانند.

- همچنین اگر کسی در خواب عطسه کند، آن را
نشانه آمدن مهمان می‌دانند.
- اگر در موقع پختن نان، ذره‌ای از خمیر بپرد، آن
را نیز نشانه آمدن مهمان می‌دانند.
- وقتی صحبت از شخصی می‌کنند، اگر در همان
لحظه سر برسد، می‌گویند: «حلال‌زاده آمد!»

برخی آداب معاشرت

- هنگام ورود در خانه، برخاستن از خواب و یا
برخورد با یکدیگر، سلام و احوال‌پرسی می‌کنند؛ حتی
اگر کسی در خانه نباشد.
- مردان در موقع ورود به خانه، اگر زنی در خانه
باشد، چه خویش و چه بیگانه، «یا الله» می‌گویند.
- مردان و جوانان وقتی می‌خواهند وارد خانه غریبه
شوند، «یا الله» می‌گویند و صاحبخانه هم در جواب
می‌گوید: «الله یار شما، بفرمایین تو».
- وقتی به اقوام و آشنایان می‌رسند، مصافحه می‌کنند.

- وقتی می‌خواهند قلیان بکشند، به بزرگ‌ترها
تعارف می‌کنند و آنها هم در جواب می‌گویند: «دودِ غم
نکشی».

- اگر به هنگام صحبت کردن از چیز پلید و کثیفی
بخواهند بگویند، ابتدا می‌گویند: «گل به جمال شما» یا
«گل پیش روی شما» و یا «بلا به نسبت شما».

- هنگام نشستن در جمع پاهای خود را دراز
نمی‌کنند؛ مگر اینکه مجبور به این کار باشند که با
عذرخواهی همراه است.

- به کسی که مدت‌هاست او را ندیده‌اند، می‌گویند:
«چه عجب این طرف‌ها؟» و جواب می‌شنوند: «عجب از
ماست؛ ما هر جا هستیم، زیر سایه شمایم» و فرد اول
می‌گوید: «زیر سایه مرتضی علی(ع)».

- هنگام راه رفتن، پشت سر بزرگ‌ترها راه می‌روند.
البته بچه‌ها همراه با بزرگ‌ترها یا جلوی آنها حرکت
می‌کنند تا گم نشوند.

- وقتی کسی را صدا می‌کنند و او می‌گوید: «بله؟»،
به او می‌گویند: «بلهات بمآند صدویست سال».

- اگر کسی به مسافرت یا سربازی برود، «جاسبزی»
(هدیه) به منزلش می‌برند و به اهالی خانه می‌گویند:
«جای فلانی سبزن» و جواب می‌شنوند: «سبز و خرم
باشی».

- وقتی به کسی دستور بدهند و او بگوید: «رو
چیشم»، به او می‌گویند: «خدا چیشت محافظت بُگنه».
- به کسی که مدت‌هاست او را ندیده‌اند، می‌گویند:
«پیدات نی؟ می آ مرگ ما بیزاری؟» و او در جواب
می‌گوید: «البته».

- در هنگام دیدار با دیگران، اگر بچه خردسالی

همراهشان باشد و سلام نکنند، به طرف می گویند: «سلام کرده!» طرف مقابل نیز می گوید: «سلام به روی ماهش؛ ماشاءالله؛ داغش نبینی» یا: «بی سلام عزیزن؛ سلام که کردن، عزیزترن» و فرد اول می گوید: «سلامت باشی».

– در قدیم وقتی وارد خزینه حمام می شدند، پس از سلام به حاضران، چند بار مشت های خود را از آب خزینه پر و خالی می کردند و در احترام به دیگران می گفتند: «عافیت باشه».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی